

نشست سران G20 و غارت ته مانده سفره کارگران

کمیته هماهنگی

شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۸

سران ۲۰ کشور جهان موسوم به G20 (گروه ۲۰) دومین نشست خویش را در انگلیس برگزار کردند. آنان از قاره های مختلف دنیا به دیدار هم شتافتند تا برای مقابله با بحران جاری سرمایه داری با هم مشورت کنند. رؤسای دولت ها چند روز تمام حول این رسالت سترگ طبقاتی خود به گفتگو پرداختند و سرانجام در روز پنجشنبه دوم ماه آوریل حاصل توافقات را به عنوان فهرستی از مصوبات اعلام کردند. سران G20 اعلام کردند که تا پایان سال آینده ۵ هزار میلیارد دلار آمریکا برای کاهش فشار بحران به کالبد فرسوده و فرتوت نظام سرمایه داری تزریق خواهند کرد. توضیحات بعدی آنان حاکی است که این مبلغ سرگیجه آور نجومی چگونه و از کدام راه ها وارد مجاری ارزش افزایی و تولید سود سرمایه جهانی خواهد شد. به این موارد در پایان نوشته اشاره خواهیم کرد. اما عجالتاً اجازه دهید اندکی درباره همین رقم ۵ هزار میلیارد دلار با هم گفتگو کنیم. بر پایه محاسبات دقیق ریاضی اگر فاصله میان زمین تا کره ماه را با اسکناس های یک دلاری فرش کنیم فقط هزار میلیارد دلار احتیاج داریم تا این دو کره را با اسکناس به هم وصل کنیم. رقمی که بر پایه تصمیم سران G20 با هدف نجات نظام سرمایه داری از خطر سقوط به مجاری تولید سود سرمایه تزریق خواهد شد ۵ برابر مبلغی است که برای فرش کردن فاصله میان زمین و ماه کفایت می کند. اگر این کار را به عنوان مثال با اسکناس های صد تومانی ایرانی انجام دهیم آنگاه خواهیم توانست فاصله میان این دو کره را ۵۰ بار با این اسکناس فرش کنیم. مثال های ملموس تری بزنیم. این کار برای درک اهمیت ماجرا بسیار لازم است. یک کارگر ایرانی اگر این شانس را داشته باشد که در تمامی روزهای سال نیروی کار خویش را به صاحبان سرمایه بفروشد، اگر او به خیل عظیم بردگان مزدی بیکار تعلق نداشته باشد، اگر این کارگر برای مثال در بخش ساختمان کار کند، اگر حتی در روزهای سرد و یخبندان زمستان هم برای پاره ای حمالی های کشنده به کار او نیاز داشته باشند، اگر وی به فرض محال در هیچ روزی بیمار نشود، اگر هیچ گاه هدف قهر سرمایه دار واقع نگردد و تازیانه اخراج بر گرده او فرود نیاید، اگر کارفرما یا کارفرمایان از سر تصادف دستمزد وی را ۶ ماه ۶ ماه مصادره نکنند، آری اگر همه این احتمالات و بسیار اگر و اماهای دیگر همه و همه تصادفاً به نفع این کارگر در کنار هم به میمنت و مبارکی لباس واقعیت پوشند، تازه در چنین شرایط بسیار نادری کارگر مزبور برای تمام طول سال ۲ میلیون و پانصد هزار تومان دستمزد خواهد داشت. خوب می دانیم که کارگر ساختمانی مورد مثال ما علی العموم باید با این حقوق یک خانواده ۴ تا ۵ نفری را اداره کند. حال بیاییم و رقم ۵ هزار میلیارد دلار را ابتدا به تومان تبدیل و سپس به دستمزد سالانه این کارگر بخش کنیم. حاصل این تقسیم ریاضی عدد ۲ میلیارد خواهد بود. به این ترتیب پولی که بر اساس مصوبات سران ۲۰ کشور عضو G20 برای نجات نظام سرمایه داری از بحران و خطر فروپاشی منظور شده است معادل حقوق ۲ میلیارد نفر کارگر است که تمامی روزهای سال را در مرگبارترین شرایط ممکن کار می کنند، هیچ لحظه ای آسایش ندارند، دائماً با خطر وقوع

سوانح و از دست دادن جان یا اندامی از بدن مواجه هستند. ۲ میلیارد نفر کارگر مفروض با دستمزد خویش باید یک جمعیت حدوداً ۱۰ میلیارد نفری را از لحاظ خوراک و پوشاک و مسکن و هزینه دارو و درمان و آموزش و کل نیازهای معیشتی تأمین کنند. ۱۰ میلیارد رقمی معادل یک و نیم برابر جمعیت کنونی کل ساکنان کره زمین و حدود دو و نیم برابر کل نفوس توده های کارگر دنیا است. پیداست که بخش هایی از طبقه کارگر بین المللی دستمزدهایی بسیار بالاتر از دستمزد یک کارگر ساختمانی در ایران می گیرند. اما این نیز بدیهی است که هم اکنون یک میلیارد نیروی کار آماده فروش جهان فاقد کار و به ناچار فاقد دستمزد هستند. اگر همه این اعداد را با هم جمع و تفریق کنیم و اگر به خاطر بیاوریم که بیش از ۲ میلیارد سکنه زمین با درآمد سالانه ای کمتر از ۷۰۰ دلار آمریکا زندگی می کنند آنگاه به راحتی خواهیم پذیرفت که رقم ۵ هزار میلیارد دلار اهدایی ناقابل!! دولت ها برای کاهش خطر بحران سرمایه داری معادل چندین برابر کل دستمزدهای سالانه کل توده های کارگر جهان است.

تا اینجا در لا به لای ارقام پیچ خوردیم و حال بیابید به این فکر کنیم که راستی راستی این مبلغ نجومی سرگیجه آور که امروز گویندگان تلویزیون های دنیا و حتی اقتصاددانان کارکشته نظام بردگی مزدی هنگام بیان آن یکه می خوردند و چندین بار ابراز حیرت می کنند، از کجا به دست آمده و به دست خواهد آمد؟ آیا فقط قرار است ماشین های چاپ اسکناس برای مدت بیشتری کار کنند و حجم عظیم تری اسکناس چاپ کنند؟! اگر علاج مشکل به این آسانی بود آنگاه چه نیاز به این همه تدارکات برای مقابله با بحران بود؟ آیا می خواهند در خزانه ها را بگشایند و موجودی آن ها را بذل و بخشش نمایند؟! این تصور که از اولی هم به مراتب مسخره تر و احمقانه تر است. آیا طبقه سرمایه دار تصمیم گرفته است که از هفت اقیانوس عظیم دارایی هایش برای تأمین این رقم مایه بگذارد؟! این که از هر دوتای قبلی مبتذل تر و مسخره تر است. سرمایه داران دنیا بشریت را به نابودی کشیده اند تا این سرمایه ها را روی هم انباشت کنند و حال هم کل جنگ و جدل ها برای حفظ همین سرمایه ها و سودآوری هر چه انبوه تر آن ها است. در دسر کم کنیم. این ها مسلماً جواب نیستند. سراغ پاسخ درست و حسابی پرسش خود برویم.

در مباحث آموزش اقتصاد سیاسی در همین سایت چند بار توضیح داده ایم که ارزش هر کالا فقط مقدار کار اجتماعاً لازمی است که صرف تهیه آن شده و در آن نهفته است. منظور از کار اجتماعاً لازم زمان کاری است که در شرایط عادی تولید اجتماعی و متوسط کار اجتماعی و حد میانگین شدت کار برای تولید آن کالا مصرف می شود. کالاها بر پایه این زمان کار اجتماعاً لازم متراکم شده در آن ها با هم مبادله می شوند. پول مقیاس ارزشی و واسطه مبادله کالاها است. در دوره های اولیه پیدایش و رشد اقتصاد کالایی ماقبل سرمایه داری ابتدا محصولات را به طور مستقیم با هم مبادله می کردند. به طور مثال، تولید کننده پارچه یک متر کتان را به این یا آن کشاورز می داد و در ازای آن یک کیلو برنج می گرفت. بعدها کالای معینی مثلاً یک گوسفند به عنوان واسطه برای مبادله سایر کالاها تعیین شد. کمی بعدتر گوسفند جای خود را به معادل ارزشی و واسطه ای دیگری برای مبادله کالاها داد. این نقش بعدها به کالای دیگری به عنوان مثال نوعی فلز واگذار گردید تا این که نوبت طلا رسید و بالاخره پول جایگزین همه این ها شد. شکل معادل در همه حال خواه به صورت گوسفند، خواه فلزی مانند برنز و نقره یا طلا و بالاخره پول در واقع فقط بیانگر همان مقدار زمان کار اجتماعاً لازم انسانی نهفته و متراکم شده در کالاها است. بر همین مبنا، وقتی از پول سخن می گوئیم باید کالاهایی وجود داشته باشد، تولیدی صورت گرفته باشد، انسان هایی

کار کرده باشند و کار این انسان ها در محصولاتی مترکم شده باشد. باید همه این کارها انجام گرفته باشد تا آنگاه چیزی به نام پول معنا پیدا کند و موضوعیت یابد. به بیان دیگر، باید دنیای کالاها و سرمایه ها توسط جمعیت عظیم کارگران دنیا تولید شده باشد و دنیای عظیم زمان کار این کارگران در سرمایه ها تراکم یافته باشد تا پول نقش معادل و بیان مبادله میان آن ها را ایفا کند. در این زمینه طبعاً می شود به تفصیل صحبت کرد و هر چه هم بیشتر صحبت کنیم موضوع روشن تر خواهد شد. اما همان گونه که اشاره شد ما این کار را در جاهای دیگر انجام داده ایم. آنچه در این جا مورد نظر است فقط این است که ۵ هزار میلیارد دلار هدایای سران دولت ها به سرمایه داران و مؤسسات سرمایه داری دنیا نه گنج قارون است، نه مائده آسمانی و نه هیچ چیز دیگر، بلکه فقط و فقط کاری است که کارگران دنیا انجام داده اند و باید انجام بدهند. کل این مبلغ نجومی سرسام آور مایه حیرت همه ساکنان کره زمین صرفاً حاصل کار و استثمار ما میلیاردها توده های کارگر دنیا است. این ماییم که شب و روز در اعماق معادن دنیا کار کرده ایم و صدتا صدتا یا بیشتر در شعله های آتش سودسازی سرمایه ها خاکستر شده ایم، در کارخانه ها زیر فشار کار شاق شبانه روزی فرسوده شده ایم، تمام عمر را در جاده ها برای حمل سرمایه ها و کالاهای سرمایه داران شب تا صبح رانندگی کرده ایم، در بیمارستان ها، مدارس و در تمامی جاهای دیگر استثمار شده ایم تا کل سرمایه های جهان و از جمله معادل همین ۵ هزار میلیارد دلار هدایای سران دولت ها به سرمایه داران جهان را تولید کرده ایم. با این توضیح کمی به محتوای تصمیم سران ممالک عضو G20 نزدیک تر شویم و رقم ۵ هزار میلیارد دلار را اندکی ملموس تر بکاویم. سؤال این است که رؤسای دولت های شرکت کننده در کنفرانس لندن که در واقع حرف کل سرمایه داران و دولت های سرمایه داری دنیا را بر زبان می رانند و عملاً به اجرا درمی آورند این ۵ هزار میلیارد دلار محصول کار و استثمار ما را قرار است از کجاها بردارند، از دست چه کسانی بگیرند و به کجا وصله و پینه کنند؟ و چگونه برای مقابله با بحران مصرف نمایند؟ هر کارگر دارای حداقل شعور طبقاتی بسیار خوب می داند که برای یافتن پاسخ این سؤال نباید در لا به لای فرمول بندی های شرکت کنندگان در کنفرانس یا کلاً سران دولت ها بچرخد. آنان هر سببیت و جنایت و هر حمام خونی علیه کل کارگران دنیا را معجزه نجات بشریت نام می نهند و در اوصاف معجزات این نوعی خویش زمین و زمان را از جنجال پر می کنند. پاسخ سؤال بسیار ساده و صریح این است که کل این ۵ هزار میلیارد دلار که معادل ۵ هزار تریلیون تومان ایران است یگراست از همین دار و ندار معیشتی امروز چند میلیارد نفوس توده های طبقه بین المللی ما کسر خواهد شد. آنچه در طول ۶ ماه اخیر و در واقع در طول چند دهه اخیر در ۶ گوشه دنیا توسط سرمایه انجام گرفته است تصویر آنچه را قرار است در روزها و ماه ها و سال های آینده علیه ما تحمیل کنند بسیار شفاف و گویا در پیش روی ما قرار می دهد. بیکاری های بسیار گسترده تر چند صد میلیونی، کاهش هرچه بیشتر دستمزدها، تعطیل بازهم بیشتر بیمارستان ها و مدارس و مهد کودک ها، از بین بردن امکانات معلولان و پیران، نابودسازی هولناک تر چشم انداز زندگی نسل های آینده و خاموش ساختن آخرین بارقه های امید به یک زندگی با حداقل بخور و نمیر تنها و تنها منابع واقعی تأمین این ۵ هزار تریلیون تومان خواهد بود.

موضوع را بازهم ملموس تر مورد دقت قرار دهیم. بحران پدیده ذاتی نظام سرمایه داری است. ریشه بحران در گرایش نزولی نرخ سود سرمایه ها و تبدیل شدن این گرایش به حکم مطلق یا قانون قطعی شیوه تولید سرمایه داری

نهفته است. بحران از آن جا ناشی می شود که دریای عظیم اضافه ارزش هایی که ما تولید می کنیم نرخ سود کافی مورد نیاز سرمایه ها برای بازتولید مجدد و مستمر آن ها را تامین نمی کند. چرا چنین می شود؟ زیرا شیوه تولید سرمایه داری در ذات خود شیوه تولید افراطی سرمایه است. زیرا هر چه ما چند میلیارد کارگر دنیا تولید و باز هم تولید می کنیم به سرمایه و سرمایه و باز هم سرمایه تبدیل می شود. ما در بهترین حالت از هر ۱۰ تا ۱۵ ساعت زمان کار روزانه ای که در اختیار سرمایه داران قرار می دهیم معادل یک ساعت یا کمتر آن را به صورت دستمزد یا بهای فروش نیروی کار خود دریافت می کنیم. بقیه این زمان کار طولانی فقط به سرمایه و باز هم سرمایه تبدیل می شود. هر چه ما بیشتر سرمایه تولید می کنیم و هر چه کوهساران رفیع سرمایه های حاصل کار و تولید ما بیشتر سر به آسمان می ساینند به سودهای بیشتر یعنی اضافه ارزش های انبوه تر نیاز پیدا می کنند. کار به جایی می رسد که اقیانوس اضافه ارزش هایی که ما تولید می کنیم قادر به سیراب کردن دنیای بیکران سرمایه های حاصل کار و استثمار ما و متعلق به سرمایه داران دنیا نیست. در این وقت است که نرخ سود سرمایه ها افت می کند و بحران به وقوع می پیوندد. بحران از اینجا و این گونه پدید می آید و سرمایه داران و دولت های آن ها در سراسر دنیا به محض مشاهده آن تمامی قدرت اختاپوسی نظام سرمایه داری را به کار می گیرند تا موج تهاجم آن را به عقب رانند. اما راه حل آنان برای موفقیت در این کار چیست؟ کل صاحبان سرمایه و دولت هایشان فقط یک راه دارند و آن غارت و چپاول بیش از پیش دستمزدها یا همان بهای بسیار ناچیز نیروی کار ما است. گفتیم که ما از ده یا بیش از ده ساعت کار روزانه ای که برای سرمایه داران انجام می دهیم فقط معادل یک ساعت آن را به صورت مزد دریافت می کنیم. آری، سرمایه داران برای مقابله با موج بحران باز هم سراغ بهای همین یک ساعت کار پرداخت شده محقر ما می آیند، همان یک ساعتی که برای بازتولید نیروی کار ما، برای خورد و خوراک و لباس و پول دکتر و دارو و مدرسه و مسکن و... پرداخت شده است. با غارت و چپاول همین امکانات ناچیز معیشتی ما میلیاردها نفوس توده های کارگر دنیا سیلاب عظیم ۵ هزار تریلیون تومانی راه می اندازند تا کوهساران سر به فلک کشیده سرمایه تشنه سود خود را سیراب کنند و از این طریق نرخ سود سرمایه ها را بالا برند و با بحران مقابله کنند. سران G20 اعلام کرده اند که این مبلغ نجومی سرگیجه آور را در اختیار صندوق بین المللی پول و سایر مراکز عظیم مالی سرمایه قرار خواهند داد تا آن ها آن را همچون خون به ارگانیزم علیل و فرتوت و فرسوده سرمایه داری تزریق کنند و بدین سان سرمایه را از بحران نجات دهند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۴ فروردین ۱۳۸۸

www.hamaahangi.com

khbitkzs@gmail.com